



دانشگاه علوم پزشکی گیلان
مرکز تحقیقات علوم اعصاب

هفته نامه

علوم اعصاب

جلد ۲، شماره ۱، ۱۳۹۷/۰۲/۰۲

مطالب این هفته:

- تأملی شناختی در باب کرونا ویروس (قسمت سوم)



تاملی شناختی در باب کرونا ویروس (قسمت سوم)

شیوع ویروس کرونا در جهان یک معضل است که کمتر بهداشتی ولی بیشتر شناختی است. در وهله اول، این شیوع از یک کشور مهم در اقتصاد جهان آغاز شده است. دوم اینکه این ویروس از یک ویروس حیوانی به ویروس انسانی جهش یافته است. سوم اینکه این ویروس کشندگی بالایی ندارد. یعنی نباید ترسناکتر از انواع ویروسهای با کشندگی بالاتر باشد. چهارم اینکه راه انتقال آن از دستها است. نکته شناختی دست انسان و اینکه دو عضو متفاوت در انسان (مغز و دست) او را در این حد تکامل قرار داده است، این امر را مهمتر می کند.

گفتیم که این ویروس بطور عمده از طریق دستها منتقل میشود و راه مقابله هم عدم تماس با فرد یا سطوح آلوده و شستشوی مکرر دستهاست. دست از منظر شناختی یکی از دو نشانه تفاوت انسان با سایر موجودات و عامل پیشرفت انسان است. دست عامل انجام هرکاری در انسان است و این یعنی راه انتقالی بسیار قوی در مورد این ویروس. دستها را نمیشود برای مدتی بکار نگرفت! از باز کردن درب اتاق تا خوردن غذا و غیره تمامی با دستها انجام میشود. پس کرونا عامل پیشرفت بشر را از او میگیرد! بهتر بگوییم، هیچ صنعتی بدون دست وجود ندارد.

از سوی دیگر، این ویروس باعث بروز ترس در مردم شده است. از نگاه شناختی، ترس هنگامی است که موجود ناشناخته باشد. هرگاه شما با یک موجود شناخته شده (یعنی نقاط قوت و ضعف آن شناسایی شده) روبرو شوید، به راحتی راه غلبه بر آن و یا احتراز از آن را میدانید و خود را برای مقابله با آن آماده کرده اید! اما اگر پدیده ای را نشناسید، موضوع کاملا متفاوت خواهد شد! نه نقاط قوت و نه نقاط ضعف را نمیدانید پس با ترس با آن برخورد میکنید. از همین نقطه است که ترس، اضطراب، زودبآوری و تردید جای خود را در ذهن شما باز میکنند و نسبت به هرکس که اعلامی خلاف تصور شما را داشته باشد، با دیده تردید مینگرید. امروزه شاهد شیوع انواع شایعات در افکار عمومی هستیم که هر نوع تصویری را میتوان بر آن سوار کرده و به خورد ملت داد، بجز واقعیتها! از تصور مفید بودن ماسک، تا خوبی دستکش و از تعداد بی نهایت فوت شدگان تا دروغگویی همه! در مورد زلزله سرپل ذهاب یکی از اعزه سل بریته اعلام فرمود که منابعی به ایشان اعلام کرده که در آن زلزله بیش از ۱۵ هزار نفر فوت کرده اند! در حالی که تعداد کل جمعیت این شهرستان ۱۲ هزار نفر است! تازه اگر برخی روستاها را هم اضافه کنیم! یعنی سه هزار نفر هم از جاهای دیگر به آمار متوفیان سرپل ذهاب اضافه شدند! این تازه فقط

یکی از این آمارها بود. خانمی در تهران میفرمود که پدرم از سرپل تماس گرفته و گفته همه در اینجا مرده اند! پرسیدم پدرتان از جهان باقی با شما تماس گرفتند؟ پاسخی ندادند.

این ترس به یک رفتار دیگر هم منجر میشود، فرار! حتما واکنش ستیز یا گریز را میشناسید؟ این واکنش در برابر تهدید انجام میشود. یعنی در برابر یک تهدید با توجه به ارزیابی از تهدید، یا شما فرار می کنید، یا با آن میجنگید. مثلا شما با گربه میجنگید ولی از پلنگ فرار میکنید! البته از سوسک یا موش به عنوان یک ابر قهرمان میگذردم! در همین مورد کرونا ویروس، اولین واکنش برخی از مردم در قم، فرار بوده است! جالب است که همین کار باعث شیوع ویروس به همدان و گیلان شده است! جالبتر اینکه هم اکنون مردم تهران به شمال رفته اند! عدم شناخت از ویروس در این امر کاملا موثر است. اگر بدانیم که با مسافرت امکان شیوع ویروس بیشتر خواهد شد، هرگز اینکار را نخواهیم کرد. اما با تصور اینکه با فرار از شهر آلوده جان به در می بریم (همانطور که مثلا با فرار از پلنگ این امکان وجود دارد)، از شهر آلوده فرار میکنیم.

از واکنش ستیز یا گریز گفتیم، حال از واکنش دوم فرد در حالت ترس عرض میکنیم. دومین عارضه ترس، عبارت است که اینکه فرد بیش از حد عادی به خودش فکر میکند! بروز رفتاری این حالت، عبارتست از اینکه افراد برای انبار کردن لوازم مورد نیاز اقدام کنند. در تابستان سال گذشته قضیه رب گوجه فرنگی که نمود دیگری از این رفتار بود، شاید یک شاهد قوی در این مورد باشد. در همین قضیه ویروس کرونا، قحطی ماسک، وسایل ضدعفونی کننده و سایر اقلام در این زمینه نمونه اخیر این رفتار است. این رفتار به دلیل اضطراب شدید در فرد ایجاد میشود. و اضطراب شدید به دلیل وجود استرس در زندگی ایجاد میشود. قصد ندارم به موارد استرس زا در کشورمان اشاره کنم و دلیل رفتار مردم را به تصمیمات بعضا عجیب تصمیمگیران ربط بدهم، اما یک نکته مهم را یادآوری میکنم. در آمریکا، ایتالیا، فرانسه، انگلیس، آلمان و دیگر کشورهایی که در آنها ویروس کرونا شایع شده است، همین لوازم کمیاب و گران شده است، این یعنی اینکه انسان طبیعت خود را در همه دنیا حفظ کرده است! نکته دیگر در همین مورد کمیاب شدن لوازم بهداشتی مرتبط با ویروس کرونا، بحث احتکار، گرانفروشی و امثال آن است که متاسفانه در سطح تولید و توزیع شایع است! همان بحث خودرو، خانه،! برخورد با این مورد به نظرم باید برخورد امنیتی باشد. نکته بعدی این است که مسئولین محترم خود به فرمایشات خود توجه و ایمان داشته باشند، لطفا! اینکه در ستاد مبارزه با کرونا تنگ هم با فاصله کمتر از ۲۵ سانتیمتری هم نشسته اند، چگونه

باید باور کرد که از دیگران حداقل یک متر فاصله گرفت؟ در کنار آن در اتاقی که افراد در حال سرفه هستند، دارند در مورد علائم آلودگی به کرونا فرمایش میفرمایند، چگونه باید باور کرد که سرفه از علائم ابتلا به ویروس کرونا میباشد! نکته دیگر اینکه متاسفانه تصمیمات عجولانه زیادی در حال اتخاذ است که خطر آن بیشتر از ویروس کروناست! مثل اینکه باید مراکز را تعطیل کرد یا خیر؟ تعطیلی مراکز به معنای مسافرت نیست! اشتباه این است که ویروس را با زلزله و سیل یکسان بدانیم. یعنی همانطور که از سیل فرار میکنیم، یا از منطقه زلزله زده دور میشویم، از ویروس هم دور شویم! این البته خنده دار است، اما آمار مسافرت به شمال، چیز دیگری میگوید. نکته دیگر اینکه روش دفع زباله در ایران احتمالا راه خوبی برای پخش ویروس کروناست. زباله های خانگی به سطلهای زباله منتقل میشود، اگر کسی کرونا داشت، زباله هایش را در سطل زباله ریخته و... بقیه داستان نیاز به نوشتن ندارد. تا بعد!

واکنش ترس در مقابل کرونا تنها به احتکار، گرانفروشی، فرار، و تعطیلی مراکز ختم نمیشود! احساس عدم صداقت نیز در این محیط ایجاد میشود. وقتی فردی ترسیده باشد، باورپذیری منفی در او افزایش و باورپذیری مثبت کاهش می یابد. یعنی حتی دیدن چیزی هم او را به یقین نمیرساند اما بدترین خبرها حتی بصورت جعلی هم در او ایجاد یقین میکند. امروزه اینکار در فضای مجازی در کشور ما بشدت در حال انجام است. متاسفانه با پدیده فردی شدن رسانه (که با وجود موبایل و برنامه های آن و نیز شبکه های مجازی ایجاد شده است) بدترین وضعیت ممکن در کشور بوجود آمده است. از هر ده نفر، حداقل هشت نفر به نوعی با این شبکه ها درگیر هستند و از اطفال خردسال تا پیرمردان و پیرزنان کشور در فضای مجازی غرقه هستند. در این شرایط بدون وجود مدیریت بر محتوای فضای مجازی یعنی یک حجم فوق العاده از اطلاعات راست و دروغ که همانطور که در بالا شرح داده شد، باورپذیری آن برای افراد ترسیده بسیار متفاوت از افراد عادی خواهد بود! نمونه بارز آن مبحث فرمایشات آیت الله بهجت در بیش از ده سال پیش است که توسط یکی از شبکه های بهائی به عنوان راهکار ایشان برای مقابله با ویروس کرونا مطرح شد (که دروغ بودن آن کاملا واضح بود). اما هم اکنون در فضای مجازی به عنوان یک امر تمسخر آمیز و یک واقعیت در حال چرخش است! به نظر میرسد که وجود سازوکارهایی برای مدیریت فضای مجازی امریست که نه تنها لازم، بلکه اوجب واجبات است.

دکتر هدایت صحرایی